

ابوعلی بلعمی

ابوعلی بلعمی (وف ۳۶۳/۳۸۳ ق)، مورخ، ادیب و مترجم در زمان سامانیان می‌زیست و وزارت عبدالملک بن نوح و منصور بن نوح سامانی را داشت و به دستور پادشاه اخیر «تاریخ طبری» را از عربی به فارسی ترجمه کرد. بلعمی در این ترجمه بسیاری از موارد «تاریخ طبری» را تلخیص کرده و در بسی موارد دیگر از منابع جدیدی استفاده کرده است به گونه ای که کتاب او حکم تألیف جدیدی را پیدا کرده است.

ولادت

محمد بن محمد بن عبیدالله التمیمی البلعمی معروف به ابوعلی بلعمی در بخارا تولد یافت. در ارتباط با دوران کودکی و ایام ابتدایی زندگی -اش اطلاع چندانی در دست نیست. وی فرزند بلعمی بزرگ، ابوالفضل محمد بن عبیدالله بلعمی (م ۳۲۹) است.

علت شهرت او به بلعمی به خاطر انتساب او و نیاکان وی به بلعمان از قراء مرو بود.

دوران وزارت

پس از دوره وزارت یوسف بن اسحاق نوبت به وزارت ابوعلی محمد بن محمد بلعمی رسید. او اولین بار در سال ۳۴۹ هجری به وزارت عبدالملک بن نوح سامانی رسید.

بلعمی علاوه بر وزارت عبدالملک بن نوح، وزیر منصور بن عبدالملک بن نوح سامانی نیز بوده است.

وی در دوران وزارتش با «الپتگین» ارتباط بسیار نزدیکی داشت و هیچ کاری بی-علم و مشورت او انجام نمی-داد. الپتگین که موسس سلسله غزنویان داماد وی بوده است، در دوره عبدالملک سامانی فرمانده کل خراسان بود، او بعدها به غزنه رفت. ابوعلی بلعمی و الپتگین به عنوان دو دوست، متحد و پشتیبان یکدیگر بودند. بلعمی حتی بعضا امور سیاسی مملکت را با مشورت با الپتگین انجام می-داد.

ثعالبی در یتیمه‌الدهر مکرر از ابوعلی بلعمی نام می‌برد و از جمله از ابوالحسن علی بن حسن اللحام اشعاری در هجو او نقل کرده است.

ابوعلی بلعمی و ترجمه تاریخ طبری

ابوعلی بلعمی همانند پدرش در نشر زبان فارسی تاثیر بسیار گذاشت و با ادیبان آن دوره از جمله ابوبکر خوارزمی (م ۳۸۳ یا ۳۹۰) دوستی و مکاتبه داشت.

یکی از کارهای بارزش و ماندگار ابوعلی بلعمی، ترجمه و تلخیص تاریخ الرسل والملوک یا تاریخ طبری است. این کتاب تاریخی به دستور منصور بن نوح سامانی که حکومت را پس از برادرش عبدالملک در دست داشت، در سال ۳۵۲ که هنوز نیم قرن از وفات طبری نگذشته بود به فارسی ترجمه و تلخیص شد.

این ترجمه که شامل تمام تاریخ طبری است، ترجمه صرف و بدون تغییر این کتاب نیست. تفاوت کار بلعمی با طبری در این است که بلعمی نام روات و اسناد را حذف کرده و از ذکر روایات مختلف در یک مورد که در اصل عربی ذکر شده، احتراز کرده است. او از اختلاف روایت‌های بر یک روایت که در نزد مولف یا مترجم مرجح به نظر رسیده، اکتفا جسته است و هر جا روایتی ناقص یافته آن را از مآخذ دیگر و در متن کتاب نقل کرده است و اشاره نموده که محمد بن جریر طبری این روایت را نیاورده است. دیوید مورگان نیز معتقد است «این اثر ابوعلی بلعمی را نمی‌توان تنها ترجمه صرف کتاب تاریخ طبری دانست.

سید ابوالقاسم فروزانی می‌نویسد: «از آنجا که ترجمه‌ای که بلعمی از کتاب تاریخ الرسل والملوک به عمل آورده با حذف اسناد طولانی و نیز روایات متعدد در باب حادثه واحد همراه بوده و نیز در بعضی موارد به خصوص در مورد تاریخ باستانی ایران نکته‌هایی در بردارد که در اصل کتاب تاریخ طبری نیست، می‌توان این ترجمه را که به تاریخ بلعمی معروف است کتاب تاریخ مستقلی به شمار آورد و قدیمی‌ترین تاریخ عمومی فارسی دانست. اثر بلعمی علاوه بر اضافاتی که درباره پیدایش جهان و عقاید ایرانیان در باب آغاز آفرینش آدم

علیه السلام و... دارد، حوادث را تا سال ۳۵۵ هجری ذکر کرده است در حالی که در تاریخ طبری حوادث تنها تا سال ۳۰۲ آمده است بنابراین این بخش، پیوستی بر تاریخ طبری محسوب می-شود.

ترجمه تاریخ طبری که برخی نام آن را «تاریخنامه طبری» خوانده-اند، ماخذ و مرجع بسیاری از ترجمه-های دیگر؛ مانند ترجمه ترکی شده است. زیرا به واسطه اطناب و تفصیل تاریخ طبری و زیادی حجم آن و اختصار و شیوایی ترجمه بلعمی مورد توجه قرار گرفته است.

برخی معتقدند ترجمه تاریخ طبری توسط ابوعلی بلعمی شخصا صورت نگرفته، این ترجمه توسط دبیران وی انجام گرفته است. محمد روشن مصحح تاریخ -نامه طبری می-نویسد: «ابوعلی بلعمی از پایه و مایه دانش، بهره چندانی نداشته و در این کار واسطه-ای بیش نبوده و ترجمه ناب این اثر توسط دبیران و منشیان دانشمند و گمنام دیوان سامانیان انجام شده است. سه تن یا سه گروه در این کار اهتمام ورزیده-اند». اما برخی معتقدند برای این ادعا دلیل کافی در دست نیست.

در ارتباط با نام این کتاب نیز باید گفت برخی نام تاریخ بلعمی را برای این اثر مورد استفاده قرار می-دهند. اما برخی نام «ترجمه تاریخ طبری» و یا «تاریخنامه طبری» را درست می-دانند. مصحح این اثر در مقدمه آن، ذکر عنوان «تاریخ بلعمی» را برای این کتاب نادرست شمرده است. ایشان آورده است: «سپاس خدای را که تاریخنامه طبری که به نادرست در پاره-ای از نگاشته-های پارسی «تاریخ بلعمی» خوانده شده است... به انجام رسید».

وفات

وفات بلعمی به سال ۳۶۳ هجری بوده است. [برخی هم سال وفات او را ۳۸۳ هجری ذکر کرده-اند.